

## Translation of Literary Texts from Theories to Implementation: Review a Translation from Russian Language

Zeinab Asadi Sangachin\* 

PhD Student in Russian Language Education,  
University of Tehran, Tehran, Iran

Nahid Sheikhi Jolandan 

Assistant Professor, Department of Russian  
Language, University of Tehran, Tehran, Iran

### Abstract

The translation of literary works and texts as one of the most difficult and controversial types of translation has always been the subject of discussion and study of linguists in the world. So that in most of the books related to translation theory, translation of literature and its features have been translated separately. For this reason, the present paper tries to examine the existing approaches to authenticity and improve translation of literature by examining the views of a number of translation theories. Then, using the proposed methods and methods proposed by the specialists, translation of one of the works of Russian literature in Persian is studied to exactly determine and show how to use translation theories in translation of literature and literary works.


**Keywords:** Literary works, Literary translation, Translation theory, Translator, Translation specialist.


---

\* Corresponding Author: asadi69@ut.ac.ir

**How to Cite:** Asadi Sangachin, Z., Sheikhi Jolandan, N. (2021). Translation of Literary Texts from Theories to Implementation: Review a Translation from Russian Language. *Language Science*, 8 (13), 283-304. Doi: 10.22054/l.s.2021.56359.1399

## ترجمه متون ادبی از نظریه تا عمل؛ بررسی ترجمه‌ای از زبان روسی

زینب اسدی سنگاچین \*  دانشجوی دکتری، آموزش زبان روسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

ناهید شیخی جولاندان  استادیار، گروه زبان روسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

### چکیده

ترجمه آثار ادبی، به‌عنوان یکی از دشوارترین و بحث‌برانگیزترین انواع ترجمه، همواره مورد بحث و بررسی زبان‌شناسان مطرح دنیا بوده است. به‌طوری که در بیشتر کتاب‌های مربوط به نظریه ترجمه، به‌طور جداگانه به ترجمه متون ادبی و ویژگی‌های آن پرداخته شده است. به همین دلیل، در مقاله حاضر سعی شده است تا با بررسی اجمالی نظریات تعدادی از نظریه‌پردازان حوزه ترجمه، به بررسی راهکارهای موجود جهت صحت و بهبود ترجمه متون ادبی پرداخته شود. سپس، با استفاده از نظریات مطرح شده و شیوه‌های پیشنهادی ترجمه پژوهان، ترجمه نمایشنامه جزیره سرخ از زبان روسی به فارسی مورد بررسی قرار گرفته تا به‌صورت مشخص، نحوه استفاده از نظریه‌های ترجمه در ترجمه متون ادبی مشخص شود. با توجه به مطالعات صورت گرفته، مشخص می‌شود که بسیاری از کاستی‌های موجود در ترجمه اثر نام‌برده ناشی از عدم توجه مترجم به نظریات ترجمه بوده و در واقع، یادآور جایگاه فراموش شده این نظریات در فرایند آموزش ترجمه است.

کلیدواژه‌ها: آثار ادبی، ترجمه ادبی، نظریه ترجمه، مترجم، ترجمه پژوه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

آثار ادبی هر ملت گنجینه‌ای است از مظاهر هنری آنها که در تحریک اندیشه و احساس انسان‌ها، قدرتی نافذ و پایدار ایجاد می‌کند. آثار ادبی ذوق و احساس را جلا و دقت خاصی می‌بخشند و در تربیت نفس و خردمندی و باروری ذهن نقشی مؤثر دارند. ادبیات یکی از گونه‌های هنر است و کلمات مصالح و موادی هستند که شاعر و نویسنده، با بهره‌گیری از عواطف و تخیلات خویش، آنها را به کار گرفته و اثری ادبی پدید می‌آورد. در آثار ادبی، نویسنده و شاعر می‌کوشد اندیشه‌ها و عواطف هنری خویش را در قالب مناسب‌ترین و زیباترین جملات و عبارات بیان کند. این آثار همان گفته‌ها و نوشته‌هایی هستند که مردم در طول تاریخ، آنها را شایسته نگهداری می‌دانند و از خواندن و شنیدنشان لذت می‌برند. زبان و ادبیات جلوه‌گاه اندیشه، آرمان، فرهنگ، تجارب و روحیات یک جامعه است.

در عصر ما، که مرزبندی میان ملت‌ها یکی از شاخصه‌های آن است، نیاز به ترجمه ابعادی مردم گسترده‌تر می‌یابد، زیرا تنها از خلال ترجمه است که می‌توان اندیشه‌های برون‌مرزی را دریافت و ارتباطی مؤثر با دیگر فرهنگ‌ها برقرار ساخت؛ به‌طوری‌که نهضت ترجمه موفق شده است دستاوردهای فرهنگی ملت‌ها را از گزند فراموشی همیشگی و نابودی نگاه دارد، یا گاهی یک ترجمه توانسته تأثیری بسزا در شکل‌یابی فلسفه، ادبیات و دانش دیگر ملت‌ها داشته باشد. به‌عنوان نمونه، می‌توان به ترجمه آثار فیلسوفان یونان باستان در قرن سوم هجری به زبان عربی اشاره کرد که این آثار را از تاریک‌خانه قرون وسطی، سالم گذرانید و همراه با دانش‌های جهان اسلام و مشرق‌زمین، به اروپای قرن دوازدهم و سیزدهم باز پس داد و زمینه‌ساز عصر نوزایی شد (حدادی، ۱۳۷۵: ۱۲-۱۳).

انسان‌ها، در گذر زمان، از زبان برای انتقال پیام‌ها، عواطف و اندیشه‌های خویش بهره جسته‌اند و از ادبیات، که زبان برتر است، به‌عنوان ابزاری در انتقال بهتر، بایسته‌تر و مؤثرتر اندیشه خود استفاده کرده‌اند. ادبیات در تلطیف احساسات، پرورش ذوق و ماندگار کردن ارزش‌ها و اندیشه‌ها، سهمی بزرگ و عمده بر دوش داشته است. به همین دلیل، هر اندیشه‌ای که در قالب مناسب خویش ریخته شود پایا و مانا خواهد بود. ادبیات مکتوب‌شده فرهنگ است، فرهنگی که در جان و ذهن و روح انسان‌هاست. حال، این ادبیات ممکن است در تجلی اولش، صورت شفاهی داشته باشد یا کتبی.

دکتر عبدالحسین زرین کوب (۱۳۷۴) در تعریف ادبیات می‌نویسد: به‌طور کلی، ادبیات آن‌گونه سخنانی است که از حد سخنان عادی برتر و والاتر بوده و مردم آن سخنان را در خور ضبط و نقل دانسته‌اند و از شنیدن آنها دگرگون شده‌اند و احساس غم و شادی یا لذت و الم کرده‌اند. پس واضح است که یکی از ویژگی‌های مهمی که هر اثر باید داشته باشد تا در جمله آثار ادبی به حساب آید پایداری و ماندگاری آن اثر در طول زمان است. به‌طور کلی، اگر کسی که قصد دارد به آفرینش ادبی بپردازد به هدف ادبیات، که همان بیان احساسات و عواطف درونی انسان است، ناظر باشد، به‌طور حتم اثری که خلق می‌کند دارای ویژگی پایداری (هرچند که پایداری آثار بزرگ ادبی را نداشته باشد) خواهد بود؛ زیرا عواطف بشری امری است که دستخوش تغییر در طول زمان نمی‌شود و همواره ثابت است؛ به‌عنوان مثال، مفهوم عشق در تمام دوره‌ها وجود داشته و همواره ستایش شده است. اگر به دو ویژگی دیگر آثار ادبی، یعنی گستردگی و مقبولیت نیز بنگریم، کسی می‌تواند اثری ادبی خلق کند که این سه ویژگی، یعنی پایداری، گستردگی و مقبولیت، را داشته باشد. حال، می‌توانیم علت شباهت آثار بزرگ ادبی جهان را - باوجود تفاوت در زمان، مکان و زبان آنها- دریابیم؛ زیرا عامل به‌وجودآوردن همه آنها همان بیان درونیات و به‌عبارت دیگر، آفرینش ادبی بوده است.

## ۲. بحث و بررسی

گفتم که زبان و ادبیات تجلی اندیشه، فرهنگ و روحیات یک جامعه و هر آن چیزی است که در ظاهر آن ناپیدا است؛ از این منظر، آثار ادبی بهترین منابع برای آشنایی عمیق و مفصل با یک جامعه و مردم آن هستند. علاقه به آشنایی با مردم نژادهای گوناگون و اهالی کشورهای مختلف همواره در بین انسان‌ها بوده است و همچنان وجود دارد. این تمایلات تنها به آشنایی محدود نمی‌شوند، بلکه انگیزه اصلی آن برقراری ارتباط و تعامل است، چیزی که بیش از هر چیز، وابسته به شناخت متقابل است؛ اما اختلافات زبانی کشورهای مختلف بزرگ‌ترین مانع در استفاده از منابع معتبری همچون آثار ادبی برای دستیابی به این شناخت است. اینجاست که نقش مترجم برجسته می‌شود. در واقع، ترجمه، از نخستین روزهای پیدایش خود، همچون پلی بین ملت‌های مختلف بوده که وجود آن موجب تسهیل روابط بین‌المللی و تمایل روزافزون ملت‌ها به ایجاد تعامل شده است.

ترجمه ادبی<sup>۱</sup> یکی از اصلی ترین انواع ترجمه است. در مجموع، می توان این طور گفت که ترجمه ادبی همان اهدافی را دنبال می کند که دیگر انواع ترجمه با آن روبه رو هستند و در واقع، باید با کمک گرفتن از ابزارهای زبان مقصد، تمامی مطالب عنوان شده در زبان مبدأ را بازآفرینی کرد.

برای تعمق بیشتر در انواع ترجمه و مراحل شکل گیری و ترویج آنها، نگاه کوتاهی خواهیم داشت به پیشینه ترجمه؛ در مراحل اولیه شکل گیری ترجمه، دو گرایش اصلی در آن وجود داشت. اولین گرایش، بیش از همه، در ترجمه متون مذهبی و در وهله اول، در ترجمه انجیل مورد توجه بود. برای مترجمان چنین متونی، متن اصلی «کلام خدا» بود و به همین دلیل، هر کلمه، ترتیب کلمات و حتی حروف جداگانه و علائم نگارشی مقدس بودند و نوعی معنای خاص را انتقال می دادند و باید تا حد امکان، تحت اللفظی تر در ترجمه بازتولید می شدند. در حقیقت، در چنین فرایندی، اغلب هنجارهای زبان ترجمه (مقصد) دستخوش تغییر قرار می گرفت و گاهی ترجمه غیر شفاف و نامفهوم می شد، اما این موضوع هیچ کس را آزرده نمی ساخت، نه خود مترجمان و نه خوانندگانی را که انتظار داشتند متن مذهبی برای هر کسی قابل درک نباشد و بسیاری از مطالب آن رمزگونه بیان شود.

اگر در ترجمه متون مذهبی، گرایش به بیشترین حد لفظ گرایی سلطه گری می کرد، در دیگر انواع ترجمه، چه شفاهی و چه کتبی، اغلب، نزدیکی به متن اصلی مورد توجه بود و پدید آورندگان این گونه ترجمه ها، آزادانه، به متن مبدأ رجوع می کردند و بسیار دچار اشتباه و انحراف می شدند. چنین ترجمه آزادی گاه از کمبود تخصص مترجم ناشی می شد؛ گاهی نیز مترجم احترام لازم را برای متن مبدأ قائل نبود و یا خوانندگان تقاضایی برای ترجمه ای با کیفیت نداشتند.

تقابل ترجمه تحت اللفظی<sup>۲</sup> و آزاد<sup>۳</sup> تا مدت ها بعد ادامه داشت تا جایی که دیگر ویژگی های متن انتخاب نوع ترجمه را معین نمی کرد، بلکه رویه کلی مترجم، درک او از هدف و مفهوم کارش نوع ترجمه آزاد و یا تحت اللفظی را مشخص می کرد. تفاوت این رویه ها، به طور خاص، در ترجمه ادبی ظهور می کرد. در این متون، طرف داران ترجمه تحت اللفظی متقاعد شده بودند که تنها این نوع از ترجمه است که می تواند به متن اصلی

1. literary translation

2. literal translation

3. free translation

وفادار باشد، زیرا هدف ترجمه هم به حداکثر کپی برداری از متن مبدأ خلاصه می‌شود. مخالفان آنان، با این عقیده که ترجمه تحت‌اللفظی به هیچ وجه نمی‌تواند وفادار باشد، با آنان مقابله کردند، زیرا این نوع از ترجمه هرگز نمی‌تواند مهم‌ترین نکته یک اثر ادبی، یعنی همان ارزش‌های ادبی، را انتقال دهد و نکته مهم‌تر اینکه نمی‌تواند متن باارزشی در زبان مقصد تولید کند. تعدادی از مترجمان، برای ایجاد چنین تأثیرات زیبایی‌شناختی در متن ترجمه‌شده، تغییراتی در آن ایجاد می‌کردند و حتی برخی از آنان اظهار می‌داشتند که مترجم می‌تواند هرگونه مطلب «من‌درآوردی» را به متن اضافه کند، در صورتی که در روح متن اصلی نفوذ کرده و به نویسنده آن تبدیل شده باشد و نیز به همین منوال، می‌تواند هر قسمتی را از متن اصلی حذف کند؛ چنان‌که در قرن ۱۹ میلادی، مترجم معروف روس، ایرینارخ ودنسکی<sup>۱</sup>، این حق را برای مترجمان قائل شده بود (Komissarov, 2011: 88-89).

پس از آن، در قرن بیستم، مطالعات ترجمه شکوفایی خاصی پیدا کرد، به طوری که بسیاری از زبان‌شناس‌ها و نیز مترجمان، به‌طور ویژه، کتاب‌هایی در خصوص نظریه ترجمه و موضوعات مربوط به آن تألیف کردند. ماری اسنل-هورنباي<sup>۲</sup>، ترجمه پژوه ساکن وین، در کتاب خود با عنوان *مطالعات ترجمه*، رویکردی همگرایانه<sup>۳</sup> که در سال ۱۹۸۸ چاپ شد، دلایل اهمیت بررسی نظریه ترجمه را مفیدبودن آن در کنار تمرین در ارائه برنامه‌ای کارآمد برای آماده‌سازی مترجمان آینده و نیز برای رشد و ارتقای سطح نقد ترجمه برمی‌شمارد (Komissarov, 2011: 199).

به این ترتیب، لازم می‌بینیم برای بررسی بهتر ترجمه ادبی، تعدادی از نظریه‌های ترجمه و کتاب‌های مربوط به آن را معرفی کنیم. به عنوان نمونه، می‌توان به کتاب «هنر ترجمه»<sup>۴</sup> نوشته سووری<sup>۵</sup> اشاره کرد (Komissarov, 2011: 182). این زبان‌شناس انگلیسی سعی کرده در این کتاب، سطح وسیعی از مشکلات ترجمه را بررسی کند و با معرفی چهار نوع ترجمه، تمایز در سطح دقت و ویژگی‌های موضوع در حال ترجمه را انعکاس دهد. وی با تأکید بر اینکه همیشه ماهیت ترجمه منجر به انتخاب یکی از انواع آن می‌شود، اشاره

- 
1. Vvedensky, I.
  2. Snell-Hornby, M.
  3. *translation Studies. An Integrated Approach*
  4. *the Art of Translation*
  5. Savory, T.

می‌کند که مترجم در هنگام انتخاب هر یک از چهار روش پیشنهادی، باید به نوبت به سه سؤال پاسخ دهد:

۱- مؤلف چه گفته است؟

۲- چه چیزی را می‌خواست با این نوشته بیان کند؟

۳- این موضوع را چگونه بیان کرده است؟

به این ترتیب، سووری، علاوه بر محتوا و فرم متن اصلی، مقوله‌ای را نیز که امروزه با نام مقصود ارتباطی نویسنده شناخته می‌شود، به عنوان موضوع ترجمه، مجزا و مشخص می‌کند (Комиссаров, 2011: 182).

بنابراین، طبق نظر سووری، می‌توان گفت تمام ترجمه‌ها، جدا از نوع و مقصود متن اصلی، باید در برابر نظر مترجم، از یک دید مورد بررسی قرار گیرند و سپس، با توجه به پاسخ سؤالات مطرح شده، بیشترین همخوانی با متن مبدأ در متن مقصد ایجاد شود، کاری که در ترجمه ادبی بسیار دشوار به نظر می‌رسد، اما می‌توان با یافتن تشابه یک اثر با آثار ادبی در زبان مقصد، الگویی برای نحوه پیاده‌سازی تمام اجزای کلام مؤلف پیدا کرد. اولین اثر زبان‌شناسی در خصوص مشکلات ترجمه را نیز یک زبان‌شناس انگلیسی، به نام کتفورد<sup>۱</sup> به تحریر درآورد. می‌توان گفت کتاب وی با نام «نظریه زبان‌شناسی ترجمه»<sup>۲</sup>، که نقش قابل توجهی در شکل‌گیری نظریه مدرن ترجمه ایفا کرده، مظهر و مجموعه کاملی است از عقاید ترجمه‌ای انگلیسی‌ها در قرن بیستم. این کتاب اولین تلاش انگلیسی‌ها در عرصه ترجمه‌شناسی برای ایجاد یک نظریه کامل و همه‌جانبه و بر اساس تصورات مشخصی از زبان و گفتار است. او نیز در کتاب خود، انواع احتمالی ترجمه را بررسی کرده است. او از سویی بین ترجمه کامل و جزئی و از سوی دیگر بین ترجمه همه‌جانبه و محدود تمایز قائل شده است. به عقیده وی، در ترجمه کامل، کل متن مبدأ ترجمه می‌شود، اما در ترجمه جزئی، فقط بخشی از متن مبدأ به متن ترجمه منتقل می‌گردد، زیرا یا غیرقابل ترجمه است و یا اینکه برای بخشیدن «رنگ و بوی محلی» به متن مقصد، قسمتی از متن اصلی ترجمه نمی‌شود. ترجمه همه‌جانبه عنوانی است که وی برای ترجمه‌های عادی به کار برده است، به طوری که متن مبدأ در تمام سطوح زبانی ترجمه می‌شود و برخلاف آن، ترجمه

---

1. Catford, J.

2. *a linguistic Theory of Translation*

محدود به معنای برگردان متن تنها در یکی از سطوح زبانی است، برای مثال، در سطح واج‌شناختی، نگارشی، گرامری و یا واژگانی (Komissarov, 2011: 189).

کتفورد انواع مختلف متن را از هم جدا نساخته و فقط تعدادی از روش‌های ترجمه را، به‌طور عمومی، برای همه متون بررسی کرده است؛ به علاوه، با توجه به اینکه متون ادبی ویژگی‌های خاصی دارند و در ترجمه این آثار، تمام جزئیات و نگرش‌های خاص نویسنده و نیز متن اصلی و ترتیب کلمات، همچنین سبک نویسنده و نحوه انتخاب واژگان در آن باید به‌طور کامل مورد توجه قرار گیرد، می‌توان این نتیجه را به دست آورد که هیچ‌کدام از انواع ذکر شده توسط کتفورد نمی‌تواند به‌تنهایی و به‌طور خاص، برای ترجمه متون ادبی، مورد استفاده قرار گیرد و برای رسیدن به متنی ادبی در زبان مقصد و نیز حفظ ارزش‌های ترجمه ادبی، لازم است تلفیقی از ترجمه کامل و همه‌جانبه را به کار بست.

پیتر نیومارک<sup>۱</sup> نامی است که برای بسیاری از ترجمه‌پژوهان آشناست، کسی که برخلاف بسیاری از همکاران خود که ترجمه را از منظر زبان‌شناسی بررسی می‌کنند، نگاهی تجربی به آن داشته و بر اساس تجربیات شخصی از ترجمه و تدریس ترجمه، به تألیف و بررسی نظریه آن پرداخته است. به عقیده وی، تمام نظریات ترجمه باید از تجربه و تمرین ترجمه به دست آیند و حتماً همراه با مثال‌هایی از متن مبدأ و برگردانش به متن مقصد باشند. به گفته وی، چنین نظریه‌ای ارتباط بین اندیشه، معنا و زبان، جنبه‌های همه‌جانبه، فرهنگی و منحصر به فرد زبان و رفتار کلامی و ویژگی‌های فرهنگ‌های مختلف و نیز مشکلات تداخل متون و غیره را اصلاح می‌سازد.

نیومارک نیز همانند دیگر پیشتانان عرصه نظریه ترجمه، انواعی از ترجمه را دسته‌بندی می‌کند. او دو روش کلی برای ترجمه در نظر گرفته است: ترجمه ارتباطی و ترجمه معنایی. هدف ترجمه ارتباطی این است که بیشترین تأثیر را بر خواننده ترجمه داشته باشد، درست همانند تأثیری که خوانندگان اثر اصلی درک می‌کنند. در ترجمه معنایی، تلاش می‌شود تا معنای دقیق درون‌متنی اثر، با در نظر داشتن محدودیت‌های معنایی و دستوری زبان مقصد، منتقل شود. ترجمه ارتباطی تمام هدفش بر خواننده متمرکز شده است تا برای او برگردان ساده و واضحی از متن مبدأ در شکل عادی فراهم آورد. در مقابل، ترجمه معنایی در چارچوب فرهنگ مبدأ متوقف می‌شود؛ این ترجمه بسیار پیچیده‌تر و جزئی‌تر است و

---

1. Newmark, P.



تلاش می‌کند تا همه آشفته‌گی‌های افکار و همه ویژگی‌های سبک نویسنده را منتقل کند. ترجمه ارتباطی با انتقال اطلاعات در ارتباط است و ترجمه معنایی با انعکاس جریان فکری نویسنده ارتباط دارد، به این صورت که نوع اول گفته‌های نویسنده متن را بازآفرینی می‌کند و نوع دوم ترجمه طرز تفکر نویسنده را نیز انعکاس می‌دهد. به عقیده نیومارک، اگرچه ترجمه ارتباطی شایع‌تر است، اما ترجمه معنایی با ارزش‌تر به نظر می‌رسد. توصیف و ارزیابی دو روش اصلی ترجمه مهم‌ترین خدمت نیومارک در حوزه نظریه ترجمه بوده است (Комиссаров, 2011: 191).

با این توضیحات، می‌توان چنین برداشت کرد که ترجمه ادبی، از لحاظ میزان تأثیرگذاری بر خواننده و ایجاد فضای حاکم بر متن مبدأ، می‌تواند نوعی از ترجمه ارتباطی باشد، اما از لحاظ انتقال ویژگی‌های سبک نویسنده و جریان فکری او، شباهت بسیار زیادی به ترجمه معنایی دارد. اگر نخواهیم به‌طور مستقیم ترجمه ادبی را تلفیقی از هر دو مدل پیشنهادی نیومارک برشماریم، باید بگوییم که ارتباط نزدیک‌تر و تنگاتنگی با ترجمه معنایی دارد؛ ارزش‌های ادبی یک اثر، از طریق ترجمه معنایی، انتقال می‌یابند و نه ترجمه ارتباطی، موضوعی که در ترجمه متون ادبی، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

کامیساروف (۱۹۹۰: ۹۵)، ترجمه پژوه روس، در کتاب نظریه ترجمه خود، در این زمینه می‌نویسد: «آثار ادبی از تمامی دیگر آثار گفتاری متمایز هستند، زیرا در هر کدام از آن آثار، یکی از نقش‌های ارتباطی دارای تسلط بیشتری است و در آثار ادبی، نقش هنری-زیبایی‌شناختی و یا شعری این وظیفه را ایفا می‌کند. هدف اصلی هر اثری از این نوع در رسیدن به تأثیر هنری مشخص و ایجاد تمثال هنری خلاصه می‌شود. چنین جریان زیبایی‌شناختی گفتار ادبی را از دیگر فعالیت‌های ارتباطات کلامی، که مفهوم اطلاع‌رسانی حرف اول را در آنها می‌زند، متمایز می‌کند».

به این ترتیب، ویژگی‌های ترجمه ادبی و مشکلات موجود در آن، در وهله اول، توسط ویژگی‌های متن ادبی و تمایزات بسیار مهم آن از دیگر متون تعیین می‌شود، به طوری که ماری اسنل-هورنباي معتقد است برای مطالعه ترجمه، لازم است متون ادبی «از بالا به پایین» در چندین سطح تحلیل شوند، بدین صورت که ابتدا وضعیت متن در فرهنگ و شرایط مبدأ و ساختار کلی متن مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس، با شروع از عنوان متن، نقش قسمت‌ها و واحدهای مجزای آن و شبکه ارتباطی میان آنها تعیین می‌شود. پس از آن،

تحلیل زبانی عینی تری انجام می‌شود: «کلمات کلیدی» پرتکرار، «زمینه‌های واژگانی» ایجادشده یا سیستم چهره‌ها، تناسب میان اقسام کلام و نیز ویژگی‌های نحوی مشخص می‌شود. به نظر وی، چنین ارزیابی از متن امکان آشکارسازی ویژگی‌های متن ادبی را، که تصویری سیستماتیک و متناوب از جهان واقعی می‌سازد، فراهم می‌کند (Komissarov, 2011: 197).

اینجاست که مسئله ترجمه صحیح این متون معنا و مفهوم واقعی خود را می‌یابد، زیرا دانسته‌ایم که متن ادبی دارای دشواری‌ها و اقتضائات خاص خود است که برای ترجمه صحیح آن به زبان مقصد (و به گفته بزرگان علم ترجمه، ترجمه ادبی از متن ادبی و نه فقط ترجمه متون ادبی) ضروری است این ویژگی‌ها و دشواری‌ها، به‌طور صحیح، به آن زبان انتقال یابند. لازمه چنین ترجمه‌ای دانش مترجم از ادبیات است؛ به این معنی که مترجمی که قصد ترجمه متون ادبی را دارد، در وهله اول، باید از ادبیات زبان مبدأ و آرایه‌ها و ویژگی‌های آن اطلاع کامل داشته باشد و در کنار آن، از ادبیات زبان مقصد هم اطلاعات کافی و مشابه آن را کسب کند. درواقع، باید گفت که مترجم متون ادبی باید بتواند به خلق اثری ادبی در زبان مقصد دست یابد، زیرا در غیر این صورت، ترجمه او تنها به انتقال اطلاعات و وقایع موجود در متن مبدأ خلاصه می‌شود و همان‌طور که اشاره شد، ترجمه ادبی حاصل نمی‌شود.

نکته دیگری که در ترجمه آثار ادبی باید به آن توجه داشت، سبک و سیاق نویسنده است. اسنل‌هورنبای، در کتاب خود با نام «مطالعات ترجمه، رویکردی همگرایانه»، توجه ویژه‌ای به مسئله سبک متن ادبی دارد. به عقیده وی، نظریه سبک‌شناسی واقعی در ترجمه هنوز شکل نگرفته است و صحبت‌های مربوط به سبک، عموماً، محدود به روش‌های سبکی می‌شوند. مطالعه و بررسی چنین نظریه‌ای درباره سبک باید براساس تعدادی از نظریات زبان‌شناسی مدرن، خصوصاً نظریات ارائه‌شده در تألیفات هالییدی<sup>۱</sup>، پایه‌گذاری شود. وی اضافه می‌کند: تحلیل سبکی متن از نحو آغاز می‌شود (ساختار و طول جمله، نحوه سازماندهی اطلاعات، یعنی تمرکز و تکیه، ساختار و بسامد گروه‌های اسمی و فعلی که همان سبک اسمی یا فعلی است)؛ سپس، در سطح معنا و واژگان، ویژگی‌های معنایی

1. Halliday, M.

کلمات، واژه‌سازی و روش‌های سبکی تا تجانس آوایی<sup>۱</sup> و هم‌صدایی<sup>۲</sup> بررسی می‌شوند.  
(Комиссаров, 2011: 198).

لازم است یادآور شویم که ارزیابی سبکی تفاوت انواع متون را نیز منعکس می‌کند: از قراردادی بودن و «شفافیت» متون علمی-فنی و استاندارد اطلاعاتی تا «عدم شفافیت» متون منحصربه‌فرد هر مؤلف. هر نویسنده‌ای سبک مخصوص به خود را دارد و حتی در بعضی موارد، نویسنده سبک‌های مختلفی را در آثار متفاوت خود ارائه می‌دهد. سبک نویسنده، درواقع، بیان خاص وی و برداشت‌های ویژه او از وقایع و نحوه بیان آنها و به عبارتی دیگر، حال و هوای نویسنده در هنگام نگارش متن است. یک مترجم موفق، قبل از شروع ترجمه اثر، با مطالعه موردی درباره آن اثر و شخصیت نویسنده و همچنین مطالعه چندین مورد از نقدهای نگاشته‌شده درباره اثر منتخب، و نیز توضیحات احتمالی خود نویسنده درخصوص آن، از سبک نویسنده و روحیات وی در آن اثر آگاهی می‌یابد. سپس، ضروری است با پژوهش در زبان مقصد، سبکی مشابه سبک خاص نویسنده در آن اثر را بیابد و با توجه به ویژگی‌های آن سبک در زبان مقصد، ترجمه را آغاز کند. برای نمونه، اگر نثر مسجعی را ترجمه می‌کند، لازم است ابتدا آثار انتشاریافته از نثر مسجع را در زبان‌های مبدأ و مقصد به حد کافی مطالعه کند. این کار باعث می‌شود لطایف و روح نثر مسجع را درک کند و بتواند آن را از زبان مبدأ پیاده و به زبان مقصد بازسازی کند. درواقع، می‌توان گفت که سبک نویسنده تنها سبک مختص به او و نشان‌دهنده روحیات او نیست، بلکه او نماینده‌ای از یک ملت است و روحیات او در اصل حاکی از روحیات و فضای حاکم بر جامعه است.

مسئله مهم دیگر در ارائه ترجمه‌ای ادبی توجه به فرهنگ است. می‌دانیم که در دوران مدرن، با رشد صنایع فرهنگی و تحولات جدید جهانی، حوزه فرهنگ هم دچار دگرگونی شده و فرهنگ‌های مختلف به سمت همگونی پیش می‌روند. در اینجا، اصل روابط فرهنگی بر محوریت صنایع فرهنگی استوار است که جزء مهم آن کتاب است. صنعتی که همیشه و همه‌جا در دسترس قرار دارد و مهم‌ترین وسیله ارسال پیام به شمار می‌رود. در این میان، ترجمه نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. آثار ادبی نمایانگر فرهنگ یک ملت هستند و عناصر

---

1. alliteration  
2. assonance

فرهنگی یک کشور را می‌توان در ادبیات آن جستجو کرد؛ بنابراین، ترجمه ادبی نقش مهم‌تری را نسبت به دیگر انواع ترجمه ایفا می‌کند. ویژگی‌های فرهنگی هر ملت، در ترکیب با زبان آن، به شکل خاصی بیان می‌شوند که مترجم تیزهوش باید توانایی تشخیص آنها و انتقال درستشان را داشته باشد تا خواننده ترجمه تصور درستی از ملت توصیف‌شده در اثر بیابد و بدون اشاره مستقیم به عناصر فرهنگی، از خلال جملات و انتخاب واژه‌ها، با فرهنگ آن ملت آشنایی پیدا کند.

ماری اسنل‌هورن‌بای، در همین زمینه، نقش پررنگی برای تفاوت فرهنگ‌ها در ترجمه قائل است، مسئله‌ای که مترجم را وادار می‌سازد علاوه بر دوزبانه‌بودن، «دوفرهنگه» نیز باشد. به نظر او، ویژگی‌های فرهنگ عبارت‌اند از تخریب هنجارهای زبانی، که در متون ادبی امری عادی است، و استعاری بودن آنها، که امکان استفاده از توانایی‌های بالقوه زبان را فراهم می‌کند؛ از همین رو، او دو اصطلاح جدید را به‌عنوان ویژگی‌های انتقال فرهنگی در هنگام ترجمه پیشنهاد کرده است: *سنجش* و *چشم‌انداز*. *سنجش* به معنای تعیین جهت‌گیری زبانی متن از طریق انتخاب واژگان، روش‌های سبکی و ساختارهای نحوی است. در ترجمه، بهتر است که *سنجش* متن مبدأ حفظ شود؛ البته موزونی فراوان متن ادبی، ارتباطات و تسلسل‌های آن با متون دیگر و واحدهای زبانی این کار را بسیار دشوار می‌سازد. چشم‌انداز متن همان دیدگاه‌های گوینده، نویسنده یا خواننده است که براساس فرهنگ آنان، ارتباطشان با واقعه وصف‌شده و مکان و زمان ایجاد متن تعیین می‌شود. مترجم باید این نکته را در نظر بگیرد که در هنگام ترجمه، چشم‌انداز به‌طور همیشگی تغییر می‌یابد (Комиссаров, 2011: 196).

باین‌حال، در ترجمه بسیاری از آثار ادبی، نواقص فراوانی مشاهده می‌شود. برخی از این نواقص مربوط به درک مترجم و برخی دیگر مربوط به قدرت وی در انتقال دانسته‌هایش است. مشکل اول با آشنایی بیشتر وی با زبان مبدأ قابل حل است و مسئله دوم نیازمند اطلاعات کافی مترجم از زبان مقصد است. با اینکه بیشتر این اشتباه‌ها در آثار ترجمه‌شده از زبان میانجی مشاهده می‌شوند، اما کم نیستند آثاری که مستقیماً و بدون واسطه ترجمه‌شده‌اند، اما در آنها مشکلات اساسی فراوانی دیده می‌شود که حتی در بعضی موارد، موجب تخریب اثر و کاستن از ارزش آن شده است.

مترجم متن ادبی باید توانایی درک و انتقال صنایع ادبی، سبک، اصطلاحات خاص، اشاره به وقایع فرهنگی خاص کشور زبان مبدأ، نگاه نویسنده به هریک از قهرمانان و نوع گفتار آنان، بازی نویسنده با کلمات و... را داشته باشد و همین امر بر دشواری ترجمه ادبی می‌افزاید. تکرارها، طنزهای نهفته در دل واژه‌ها، نام‌های گویا و لهجه‌ها که در پس خود معرف شخصیت قهرمان‌اند را نباید از یاد برد. همگی این موارد، در آثار ادبی روسی، نمودی آشکار دارند؛ برای نمونه، قهرمانان داستان‌های چخوف، اغلب، نام‌هایی بسیار گویا دارند که بازتاب روشنی از شخصیت قهرمان به شمار می‌روند. مترجم آشنا به زبان و ذهنیت روسی می‌تواند با یک پانوست، ذهن خواننده را به سوی برداشت‌های مستندتر از اثر هدایت کند (محمدی، ۱۳۹۱: ۵).

حال، با توجه به موارد مطرح‌شده، به بررسی یکی از آثار ادبی ترجمه‌شده از زبان روسی به زبان فارسی می‌پردازیم که با توجه به ترجمه مستقیم اثر از زبان روسی و عدم دخالت زبان میانجی، وجود چنین اشکال‌ها و نواقصی در ترجمه به دور از انتظار است. این اثر ادبی، با عنوان جزیره سرخ، یک نمایشنامه از آثار بولگاکف<sup>۱</sup>، نویسنده روس، است. در ابتدا، لازم است آشنایی مختصری با این نمایشنامه و نویسنده آن پیدا کنیم: بولگاکف نمایش جزیره سرخ را در قالب زندگی مردمی خیالی، به شکلی هنرمندانه و خلاق، به نگارش درآورده، قالبی برگرفته از سنت روزنامه‌نگاری قرن نوزدهم فرانسه که حتی در زمان بولگاکف کمی کهنه به نظر می‌رسیده و بازمانده سنت فرانسوی فلتون (مقاله فکاهی تنقیدی) در آغاز قرن نوزدهم بوده است. در قرن نوزدهم، روزنامه‌های پرتیراژ صفحه‌ای اضافی، به‌عنوان ضمیمه، در روزنامه به خواننده ارائه می‌دادند و در این صفحه، خارج از زبان و قواعد روزنامه‌نگاری، با زبان روزمره با مخاطب سخن می‌گفتند. بعدها، این صفحه اضافی، با خط برش، به‌عنوان پاورقی به خواننده عرضه شد و پس از مدتی، بین خوانندگان جا باز کرد و موجب تفرج خاطر، هواداری خواننده و استمرار او در خواندن روزنامه شد. این ستون نوشتاری یا پاورقی، در مطبوعات فرانسه، پدیده‌ای برای دموکراتیزه کردن مطبوعات تلقی می‌شد که در آن، تعلق خاصی به سبک نگارش یا نوع نوشته، اعم از شعر، داستان، چیستان یا حتی پاره‌های طنزآمیز احساس نمی‌شد. بولگاکف نمایشنامه خود را به این ژانر روزنامه‌نگاری نزدیک کرد و در فضای انقلاب‌زده شوروی دهه ۲۰،

---

1. Bulgakov, M.

برای مردم عادی، نوعی سرگرمی ادبی- فرهنگی ایجاد کرد. هدف وی ارتقای سطح زیبایی‌شناسی اثر نمایشی، چه در شکل نوشتاری و چه در شکل اجرایی آن نبود. شاید بتوان گفت بولگاکف برآیند طنز فرانسوی نشئت گرفته از دوران طولانی انقلاب فرانسه را، در ژانر ساده نگارش فلتون، نوشتاری ساده و همه‌فهم برای مردم عادی یافت و آن را در تجربیات نمایشنامه‌نویسی خود به کار بست. اصولاً فلتون را با دو مؤلفه می‌توان شناخت: یکی شکل داستان غیرواقعی (با ارائه تصویری مشخص) و دیگری شکل تحلیلی (تعمیم مشخص موقعیت).

این اثر جزء آثار دراماتیک و فانتری نویسنده در اواسط دهه ۲۰ میلادی است. آلکساندر سولژنیستین<sup>۱</sup>، یکی از معروف‌ترین ادیبان روسیه، درباره این نمایشنامه چنین می‌گوید: «جزیره سرخ جزء آثار درخشان بولگاکف در دوران خاص سیاسی زمان خود بود. عنوان فرعی نمایشنامه و نیز فهرست درهم‌وبرهم شخصیت‌های آن واقعاً خنده‌آور است. این اثر، در واقع، تئاتری دوگانه است؛ یعنی تئاتر در تئاتر و بیان روح واقعی زندگی تئاتری؛ هر درام‌نویسی به سادگی نمی‌تواند چنین اثری خلق کند و تنها فردی که به طور ذاتی دوستدار تئاتر باشد این توانایی را خواهد داشت، درست مثل خود بولگاکف».

### ۳. تحلیل داده‌ها

حال که به طور مختصر، با فضای موجود در اثر آشنا شدیم، می‌توانیم بررسی ترجمه آن را آغاز کنیم؛ البته به دلیل مجال اندک این مقاله برای بررسی تمام اثر، تنها ۳۰ صفحه ابتدایی ترجمه مورد توجه قرار گرفته و از میان اشکال‌های موجود در این صفحات، تعدادی که برجسته‌تر و دارای اهمیت بیشتری بوده‌اند مطرح می‌شوند. علاوه بر جملات کوتاه یا عبارت‌هایی که در خلال اثر بدون ترجمه رها شده‌اند، می‌توان جملات ترجمه‌شده را از طریق چند دسته‌بندی نقد کرد:

---

1. Solzhenitsyn, A.

نگاه کنید به:

<https://Rushist.com/index.php/literary-articles/4110-bulgakov-bagrovyyj-ostrov-analiz-a-solzhenitsyna>

### ۱-۳. جملاتی که ترجمه نشده‌اند

1)... *Где-то слышна приятная и очень ритмическая музыка и глухие ненатуральные голоса (идет репетиция бала) Метелкин висит в небе на путаных веревках и поет:*

ترجمه: از جایی نغمه‌های دل‌انگیز و ریتمیک که از دستگاهی پخش می‌شود به گوش می‌رسد (گویا تمرین باله در جریان است). متلکین از سقف با انبوهی از طناب آویزان است و آواز می‌خواند: (سپهران، ۱۳۹۳: ۱۳)

2)... *«любила я, страдала я, а он, подлец, сгубил меня...» День.*

ترجمه: «عاشق شدم من، و... ولی رذل بود... منو نابودم کرد...» روز. (سپهران، ۱۳۹۳: ۱۳)

3) ..... *посредине ее стоит вулкан, сделанный из горы, и изрыгает дым.*

ترجمه: در وسط این صحنه کوه آتشفشانی دیده می‌شود که از آن دود خارج می‌شود. (سپهران، ۱۳۹۳: ۲۴)

### ۲-۳. جمله‌هایی که درست ترجمه نشده‌اند

جملات کوتاه در زبان روسی گاه معانی خاصی دارند که تنها با توجه به موقعیت و شرایط به‌کارگیری آنان و نیز پیشینه داستان، می‌توان مقصود صحیح آن‌ها را درک کرد. در مکالمات این نمایشنامه، تعداد زیادی از این گونه جملات به چشم می‌خورد، اما در بسیاری از موارد، ترجمه کاملی از آنان ارائه نشده یا خود مترجم در درکشان دچار اشتباه شده است. در ادامه، به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌کنیم:

### ۱-۲-۳. جمله‌هایی که از لحاظ معنا و مفهوم دچار اشکال کلی هستند

4) ... *а в театр он почему-то священным долгом считает ходить даром.*

جمله بالا به این صورت ترجمه شده است:  
... همین که وارد تئاتر می‌شن، انگار خیریه باز کردیم، انتظار دارن مجانی باشه (سپهران، ۱۳۹۳: ۱۴).

اما ترجمه صحیح و دقیق آن به این ترتیب است:

... اما معلوم نیست چرا او رایگان به تئاتر رفتن را وظیفه‌ای مقدس می‌داند.

همان‌طور که در نقد این نمایشنامه توسط سولژنیتسین بیان شد، در بسیاری از جملات زبان روسی و نیز توصیف فضا و موقعیت رویداد، می‌توان شکل طنزگونه و خنده‌دار بیان را مشاهده کرد که به‌طور حتم، برای بولگاکف اهمیت بسیار داشته است. او در تلاش بود تا در نمایشنامه عجیب بودن همه‌چیز را در نظر خواننده بیاورد؛ لازم است که این نکته به صورت صحیح در زبان مقصد منتقل شود تا خواننده ترجمه هم همان تأثیر و برداشت را از متن ترجمه‌شده دریافت کند (توجه به مرز بسیار حساس بین ترجمه ارتباطی و ترجمه معنایی در نظریه نیومارک).

5) Геннадий. Ах, бандиты! Радио, я им скажу (Телефон звенит. **Не снимая трубки.**) Никому контрамарок не даем. (Телефон умолкает.) Ступай. Метелкин. Слушаю. (Уходит.)

جمله «*Не снимая трубки*» در عبارت (۵) به صورت «گوشی را بر می‌دارد» برگردان شده است (سپهران، ۱۳۹۳: ۱۶)، درحالی که ترجمه صحیح آن «بدون اینکه گوشی را بردارد» است.

6) Телефон умолкает.

جمله (۶) هم به صورت «تلفن دوباره زنگ می‌زند» ترجمه شده است (سپهران، ۱۳۹۳: ۱۶)، اما شکل صحیح آن «تلفن ساکت می‌شود» خواهد بود. مثال دیگری از این نوع نارسایی‌ها در ترجمه جمله کوتاه زیر مشاهده می‌شود:

7) Метелкин. (вбегая). Чего изволите?

دوان دوان وارد می‌شود (سپهران، ۱۳۹۳: ۲۱).

در این عبارت، ترجمه جمله اصلی به‌طور کامل حذف شده است.

ترجمه صحیح: (درحالی که دوان دوان وارد می‌شود، می‌پرسد). چه می‌فرمایید؟



8) *Овладевая ролью*

جمله بالا به صورت «نمایشنامه را به سرعت می گیرد» ترجمه شده (سپهران، ۱۳۹۳: ۲۳)، در صورتی که معنای صحیح این فعل «فراگرفتن» است و جمله به این شکل باید ترجمه شود: «همین طور که نقش را یاد می گرفت».

همان طور که در توضیحات اسنل-هورنباي درباره سبک متن ادبی بیان شد، از نظر وی، تحلیل سبکی متن از نحو آغاز می شود و ساختار جمله اولین موردی است که وی در این خصوص به آن اشاره می کند؛ بنابراین، ترجمه صحیح مسائل نحوی زبان مبدأ در زبان مقصد تأثیر بسزایی در انتقال سبک نوشتار مؤلف اصلی خواهد داشت.

9) *Геннадий. Ну, что квакаешь, как попугай? Делай доклад.*

جمله «*Делай доклад*»، در عبارت (۹)، به صورت «درست حرف بزن» ترجمه شده است (سپهران، ۱۳۹۳: ۱۳)، در حالی که ترجمه صحیح آن «گزارش بده» است.

به عنوان مثالی دیگر، می توان به ترجمه جمله زیر اشاره کرد که کاملاً نادرست است:

10) *Геннадий. Сейчас отвалою. Червонцев пятьдесят, как этому гусю уже отвалил!.. Возьмешь, вырежешь...*

فعلاً ولش کن، پول تو جیمون نیومده می پره. بگیر بیرش... (سپهران، ۱۳۹۳: ۱۵)

ترجمه صحیح: الان می دم. تازه پنجاه تا ده روبلی به این غاز دادم!... بگیر، نابودش کن...

همان طور که از مقایسه ترجمه ها پیداست، افعال «*отвалить*» و «*вырезать*» کاملاً اشتباه به فارسی برگردانده شده اند و همچنین، مترجم قسمت هایی از جمله مبدأ را اصلاً ترجمه نکرده و یا کاملاً اشتباه درک کرده است.

نمونه دیگری از اشتباه در درک فعل در ترجمه عبارت زیر مشهود است:

11) *Метелкин. Горами хоть завались. Полный сарай.*

یک عالمه مونده. کل انبار (سپهران، ۱۳۹۳: ۲۲).

ترجمه صحیح: کوه که خیلی زیاده. تمام انبار پر شده از کوه.

تفاوت در ترجمه پیشنهادی و ترجمه ارائه شده در کتاب حاکی از آن است که قسمت هایی از جملات این عبارت و حتی معنای کلمات به کاررفته در آن درست درک نشده اند.

در ادامه عبارت بالا، مترجم در جمله زیر نیز دچار سوء برداشت شده است:

12) *Геннадий. Ну, так вот что: вели бутафору, чтобы он гору, которая похуже, в вулкан превратил.*

خوب پس ما داریم چه کار می کنیم. کوه هایی رو میاری که بیشتر بشه شیه آتشفشان شون کرد (سپهران، ۱۳۹۳: ۲۲).

ترجمه صحیح: خب پس بین؛ به طراح صحنه دستور بده کوهی که از همه بدتر هست رو به آتشفشان تبدیل کنه.

نمونه های دیگری از بی توجهی به ترکیب کلمات در جمله و در نظر نگرفتن معنای برخی از کلمات را می توان در عبارت های زیر مشاهده کرد:

13) *Геннадий. Ох уж эти мне аллегории! Смотрите! Не любит Савва аллегории до смерти! Знаю я, говорит, эти аллегории! Снаружи аллегория, а внутри такой меньшевизм, что хоть топор повес*

همین استعاره ت من رو کشته. خوب توجه کن! ساوا تا سرحد مرگ از استعاره بدش میاد! این استعاره ها رو بریز بیرون، عوضش تو این فضای خالی شده یک تبر آویزون کن (سپهران، ۱۳۹۳: ۲۱).

ترجمه صحیح: وای باز این استعاره ها رو تحویل من می دی! توجه کنید؛ ساوا در حد مرگ از استعاره بدش میاد. من می دونم این استعاره ها چی می گن! از بیرون استعاره ست، اما در واقع منشویسم غیرقابل تحمل و خفقان آور.

۲-۲-۳. جمله هایی که از لحاظ نحوی درست درک نشده اند

عمده اشکالات این جملات ناشی از نداشتن درک درستی از شخص، شمار، حالت و نقش دستوری هر کلمه در جمله است که بعضاً با اشتباهات معنایی نیز توأم شده اند.

14) *Метелкин. Он весь дырявый, Геннадий Панфилович. Намедни спустили, а сквозь него рабочих на колосниках видать...*

... همین چند وقت پیش رفتم پایین، دیدم از میونش کارگرهای صحنه دیده می‌شن...  
(سپهران، ۱۳۹۳: ۱۴).

شکل صحیح ترجمه به این ترتیب است:

... همین چند وقت پیش پایین آوردنش، که از بین سوراخ‌هاش می‌شد کارگرهای  
روی صحنه رو دید... (منظور پایین آوردن پرده نمایش است).

15) *Метелкин. Выдал я им жабы на "Горе от ума", а они вместо тряпок ими грим стирают.*

ولی من یقه‌های اون‌ها رو توی «بیچاره آن کس که گرفتار عقل شد» دیدم، اون‌ها رو  
که همراه دستمال‌های گریم می‌شورن (سپهران، ۱۳۹۳: ۱۶).  
ترجمه صحیح: من یقه‌ها رو توی نمایش «امان از عقل» بهشون دادم، ولی اون‌ها گریمشون  
رو، به جای دستمال، با یقه‌هاشون پاک می‌کنن.

در جمله (۱۵)، علاوه بر ترجمه نادرست جمله، عنوان نمایشنامه معروف گریبایدف<sup>۱</sup>  
نیز درست ترجمه نشده است.

16) *А вот сами увидите. Я тут наговорил – идеологическая, идеологическая, а ну как идеологическая?... Главное горе, что и просмотреть-то ведь некогда...* (Разбирает тетради).

خودت می‌بینی. من حالا گفتم ایدئولوژیکه، ایدئولوژیکه، فقط کافیه پیس از هر نظر  
ایدئولوژیک نباشه! ... **یک جووری نگاش می‌کنه که دیگه هیچ وقت...** (دفترچه‌ها رو  
بررسی می‌کند) (سپهران، ۱۳۹۳: ۱۹).

ترجمه صحیح: ... مشکل (مسئله) اصلی اینجاست که وقتی هم برای بررسی ندارم...  
نمونه‌های (۱۷) و (۱۸) هم قابل بررسی‌اند:

17) *Геннадий. Вот оно! Не пито, не едено, а уже расходы начинаются! Смотрите, господин автор! Какой-то доход от вашей пьесы будет, еще неизвестно, да и вообще будет ли он? Да-с... Вулкан! А-а... без вулкана обойтись нельзя?*

---

1. Griboyedov, A.

خوب! از حالانه آب، نه غذا، خرجمون شروع شد! آقایون نویسنده، توجه داشته باشید، چه قدر خرج نمایشنامه می شه، هنوز معلوم نیست، آیا بشه آیا نشه. بله. آتشفشان بیدار شده! بدون آتشفشانی هم کارمون راه نمی افته (سپهران، ۱۳۹۳: ۲۲).

ترجمه صحیح: بفرما! بدون هیچ آب و غذایی، از همین الان هزینه ها داره شروع می شه! ببینید آقای نویسنده! هنوز مشخص نیست نمایشنامه شما چقدر در آمد خواهد داشت، شاید هم اصلاً در آمدی نداشته باشد. بله جناب... آتشفشان؟ آخ... نمی شه بدون آتشفشان انجامش داد؟

18) *Дымогацкий. С неба мягко спускается банан и садится на Дымогацкого.*

از آسمان موزی خیلی آرام پایین می آید و دیموگاتسکی بر آن می نشیند (سپهران، ۱۳۹۳: ۲۴).

ترجمه صحیح: از آسمان، یک موز به آرامی پایین می آید و روی دیموگاتسکی قرار می گیرد.

در عبارت زیر، که به عنوان آخرین نمونه از ترجمه نمایشنامه جزیره سرخ مورد ارزیابی قرار می گیرد، به آسانی می توان تفاوت در معنا، موقعیت و نیز فضای ایجاد شده در ترجمه و تأثیر آن بر مخاطب فارسی زبان را مشاهده کرد:

19) *Дымогацкий. Ах! Геннадий. Легче, черти, автора задавили!*

نقشه ساده مؤلف رو نگران می کنه! (سپهران، ۱۳۹۳: ۲۴)

ترجمه صحیح: آخ! گنادی. آروم تر، لعنتی ها نویسنده رو له کردن.

شاید بتوان تمام این اشتباهات در ترجمه افعال و نیز کلمات دشوار را به نخواندن صحیح متن مبدأ و عدم برقراری ارتباط با آن توسط مترجم نسبت داد. همان طور که سال ها پیش، ترجمه پژوهان موفقیت در ترجمه را منوط به یافتن پاسخ سه سؤال قبل از نوشتن متن مقصد دانسته اند:

۱. مؤلف چه گفته است؟

۲. چه چیزی را می خواسته با این نوشته بیان کند؟

۳. این موضوع را چگونه بیان کرده است؟

سؤالاتی که علی‌رغم ظاهر ساده خود، می‌توانند شاخص مهمی برای صحت تک‌تک جملات یک ترجمه باشند.

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مثال‌های بسیار محدود بررسی شده از یک اثر ادبی و مقایسه آن با گفته‌ها و نظریات بزرگان علم ترجمه، می‌توان به راحتی بسیاری از کاستی‌ها و نواقص موجود در ترجمه را به عدم اطلاع مترجمان از نظریه‌ها و پیش‌نیازهای یک ترجمه موفق نسبت داد. این مسئله شاید ریشه در این برداشت اشتباه رایج در جامعه داشته باشد که مهارت داشتن در زبان خارجی را به معنای توانایی ترجمه آثار ادبی می‌داند، تصور اشتباهی که گاه، ترجمه را به معنای برگردان ساده لغت به لغت فرض می‌کند و به این ترتیب، به کسانی که آگاهی بسیار اندکی از علم ترجمه دارند، شجاعت می‌بخشد که آثار بسیار فاخر و باارزش نویسندگانی مشهور را ترجمه کنند؛ در صورتی که اگر ترجمه با استفاده صحیح از نظریات و حاصل تلاش، تجربه و اندیشه سالیان متمادی ترجمه پژوهان موفق جهان صورت پذیرد، بسیار شیواتر و شیرین تر خواهد بود و یقیناً تأثیری مشابه زبان مبدأ در جامعه زبان مقصد ایجاد خواهد کرد. لازم است که این مسئله، در طول دوره‌های آموزش زبان‌های خارجی، به طور مکرر به زبان آموزان یادآوری شود و اساتید گروه‌های آموزشی زبان‌های خارجی نیز برنامه‌ریزی جامعی انجام دهند تا با توجه بیشتر به پیش‌نیازها و دانش‌های زمینه‌ای در حوزه کار ترجمه و گنجاندن آن در برنامه آموزش ترجمه، مترجمانی حاذق و زبده را روانه بازار کار ترجمه کنند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

#### ORCID

Zeinab Asadi  <https://orcid.org/0000-0002-6264-8983>

Nahid Sheikhi  <https://orcid.org/0000-0001-6117-2998>

## منابع

- حدادی، محمود. (۱۳۷۵). *مبانی ترجمه*. تهران: جمال‌الحق.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۴). *آشنایی با نقد ادبی*. تهران: سخن.
- سپهران، مهران. (۱۳۹۳). *جزیره سرخ، میخائیل بولگاکوف، ترجمه از متن روسی*. تهران: قطره.
- محمدی، زهرا. (۱۳۹۱). «آسیب‌شناسی ترجمه‌های آثار روسی به زبان فارسی»، پژوهش‌های زبان شناختی در زبان‌های خارجی، ۲(۲).

## References

- Комиссаров, В. Н. (2011). *Современное переводоведение*. М.: Р.Валент.
- Комиссаров, В. Н. (1990). *Теория перевода*. М.: Высш. Шк.
- Haddadi, M. (1996). *Basics of translation*. Tehran: Jamal al-Haq. [In Persian].
- Zarrin Koob, A. (1995). *Familiarity with literary criticism*. Tehran: Sokhan. [In Persian].
- Sepehran, M. (2014). *Red Island, Mikhail Bulgakov, translation from the Russian text*. Tehran: Qatre. [In Persian].
- Mohammadi, Z. (2012). Pathology of translations of Russian works into Persian, *Linguistic research in foreign languages*, 2(2). [In Persian].

استناد به این مقاله: اسدی سنگاچین، زینب، شیخی جولاندان، ناهید. (۱۴۰۰). ترجمه متون ادبی از نظریه تا عمل؛ بررسی ترجمه‌ای از زبان روسی. *علم زبان*، ۸(۱۳)، ۲۸۳-۳۰۴. Doi: 10.22054/ls.2021.56359.1399



Language Science is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.